

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: هرمان پلویا
ترجمه و تلخیص: خ. طه‌وری
فرستنده: علی مشرف
۰۶ سپتمبر ۲۰۲۰

چنگ اندازی به اورواسیا- ۳

فصل سوم

هیتلر پیمان روسیه و المان را لغو کرد



«برای کسب تمایل انگلیس نباید هیچ قربانی بزرگ به نظر رسد. هر چند از مستعمره‌ها و قدرت بحری صرف‌نظر می‌شد و رقابت با صنایع انگلیس به کنار نهاده می‌شد... ولی نتیجه تنها یک لحظه محدودیت بود که در عوض آینده‌ای بزرگ و پر قدرت به همراه داشت.» (ادولف هیتلر، نبرد من)

المان که پس از جنگ به طور کامل وابسته به منابع نفتی بود، کوشش کرد تا کمبود منابع نفتی خود را به کمک فن‌آوری تولید بنزین از ذغال سنگ (هیدراتاسیون ذغال سنگ) ترمیم کند. کارخانه‌های امروزی در «بیترفلد» باقیمانده هیدراتاسیون ذغال سنگ المان است. لذا منابع نفتی که زیر کنترل شوروی قرار داشت برای آینده شیوه اقتصادی سرمایه‌داری دارای اهمیت

ویژه‌ای بود. ولی در ابتداء هیچ‌یک از دو شرکت نفتی استاندارد اوپل و شل امتیاز استخراج را دریافت نکرد، بلکه امتیاز استخراج به یک شرکت غریبه به نام شرکت نفت سینکلر داده شد. ولی قبل از این‌که این شرکت بتواند با شرکت نفت شوروی «آزفت» قرارداد امضاء کند، تبلیغاتچی‌های راکفلر یک سازوکار برای بی‌آبرو کردن شرکت سینکلر بر پا کردند. به دنبال آن نه تنها رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده «وارن گمالیل هاردینگ» که به شرکت سینکلر نزدیک بود ناگهان فوت کرد و نه تنها کلیه همکاران «هاردینگ» دسته‌جمعی صحنه سیاست را ترک کردند، بلکه به جای سینکلر استاندارد اوپل امتیاز انحصاری استخراج نفت از حوزه‌های نفتی اتحاد شوروی را به دست آورد. که از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که حوزه‌های نفتی شوروی تا چه اندازه برای اقتصاد ایالات متحده امریکا مهم بود.

ستالین با فروش نفت اتحاد شوروی را صنعتی کرد

جانشین لنین، ستالین با اندوخته حجیم ناشی از فروش نفت طبق برنامه به صنعتی کردن این کشور دهقانی عقب‌افتاده و فقیر پرداخت. و ناگهان در قلب سیبری سروکله مهندسان بی‌شمار غربی و همکاران روس آن‌ها پیدا شد که با سرعت

بسیار پارک‌های صنعتی آینده‌نگری را با ابعادی تا آن زمان ناشناخته بر پا کردند. اولین برنامه ۵ ساله در سال ۱۹۲۸ این گام را مقدور ساخت. شهرهای نوینی مانند «ماگنیتوگورسک» مانند قارچ از زمین روئید. سدهای عظیمی چهره طبیعت را تغییر داد. نگاه ستالین به غرب خیرخواهانه بود. «هنری فورد» کارخانه‌دار بزرگ امریکائی در نزدیکی شهر خودروسازی «دیترویت» در دهکده «دیربورن» نوع کاملاً جدیدی از کارخانه و واحدهای مسکونی - نوعی مایکروکاسموس - در پیرامون باندهای نقاله بی‌قرار بنا کرده بود که از آنجا خودروها با سرعت بی‌سابقه‌ای ساخته شده و راهی بازار می‌شد. از سال ۱۹۳۰ فورد از طرف شوروی‌ها سفارش گرفت که چنین «دیربورنی» ایجاز آفرین را نیز در اتحاد شوروی بنا کند - که بعد گورکی نام گرفت. بر روی هم سازوکار صنعتی‌سازی اتحاد شوروی با موفقیت عظیمی همراه بود.

«هنری فورد» و «هنری دتردینگ» هیتلر را از نظر مالی حمایت می‌کنند.

پیوند مخفیانه بین آلمان و روسیه اساساً خاری در چشم محافل بانفوذی در غرب بود و آن‌ها از آن سیاست‌مدارانی در آلمان حمایت می‌کردند که بدون چون و چرا حاضر بودند کمونیسم را نه تنها در آلمان نابود کنند، بلکه میهن کمونیسم را نیز به قهقرای جنگ بکشانند. تولیدکننده خودرو «هنری فورد» که در بالا آمد، به ظن قرین به یقین از سال ۱۹۲۰ آدولف هیتلر و سازمان نازی او را با میلیون‌ها دالر تأمین می‌کرد. البته بنابر آنچه گفته شد هدف او زیاد جنگ علیه اتحاد شوروی نبود، بلکه او در آلمان یک دیکتاتوری ضدسامی می‌پسندید که بتواند شرایط لازم برای صنایع خودروسازی او را در دوران جنگ و صلح بخوبی تأمین کند و به این هدف هم رسید، زیرا فورد پس از دستیابی هیتلر به قدرت، یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان خودرو در آلمان شد. فورد در جنگ دوم جهانی بدون احساس گناه کلیه طرفین درگیری را با کامیون‌های ساخت خود تأمین می‌کرد. و بدون شک از سود هنگفتی نیز برخوردار شد.

هیتلر بلافاصله به هر نوع همکاری با اتحاد شوروی خاتمه داد

بدیهی است که هر نوع همکاری نظامی نیز با اتحاد شوروی فوراً قطع شد. هیتلر نظامیان خود را در پائیز سال ۱۹۳۳ به طور نهائی از شوروی احضار کرد. هشت سال بعد جنرال زرهی «هاینتر گودریان» به کشوری که بنا بر اصول همبستگی نظامی به او نحوه جنگ زرهی را آموخته بود، حمله برد. احتمالاً برخی از افسران آلمانی در این تجاوز بغض و ناراحتی گلویشان را می‌فشرد.

هر چند متضاد به نظر می‌رسد ولی به قدرت رسیدن هیتلر وابستگی آلمان را به جامعه ارزشی غرب قطعی کرد و از این طریق گسترش روابط با منطقه اوروآسیائی را مانع شد. نفوذ کنسرن‌های انگلیس و امریکائی به ابعاد تا آن لحظه بی‌ظیری رسید. تصاحب آلمان به وسیله کنسرن‌های انگلیس و امریکائی با نام‌گذاری آلمانی روی شعبه این کنسرن‌ها پرده‌پوشی شد، مثلاً «شل» «دتردینگ» در آن زمان در آلمان «رنانیا اوساژ» و یا استاندارد اوپل، شرکت نفت آلمان و امریکا نامیده می‌شد. این دو شرکت نفتی در آلمان در صدر قرار داشتند. اغلب گفته می‌شود که در آلمان گروه انجمن بنزول نیز به عنوان وزنه مقابل وجود داشت ولی با تحقیقات نسبتاً ساده‌ای می‌توان دریافت که بازار نفتی آلمان تقریباً تا ۹۰٪ در دست تنها سه کنسرن نفتی قرار داشت: استاندارد اوپل، شل و بریتیش پترول. در صنایع خودروسازی در آلمان نیز وضع بر همین منوال و تا ۷۰٪ زیر کنترل عرضه‌کنندگان امریکائی بود. «آپل» از سال ۱۹۲۹ به جنرال موتور تعلق داشت و کارخانجات فورد آلمانی از سال ۱۹۳۳ حتی جواز «محصول آلمانی» گرفت. مجتمع کیمیایی IG-

Farben که به ابتکار امریکا پدید آمد به دنبال ردوبدل کردن اختراعات و اکتشافات و پاکت‌های سهام به قدری با استاندارد اوپل ممزوج شده بود که می‌شد آن را ادغام دو کنسرن زیر رهبری امریکا تعبیر کرد.

و این بازی باز هم ادامه داشت: شعبه المانی کنسرن امریکائی IBM در المان شرکت سهامی ماشین‌آلات «هولریت» نام داشت. IBM و یا هولریت در دوران سلطه نازی‌ها شکوفا شد: سرشماری با کارت پانچ اساساً مقدر ساخت که آن بخش از شهروندان المانی که بعد قرار بود به ماشین هولوکاست منتقل گردد، شناسائی شود و همین‌طور حرکت منظم قطار به سوی کشتارگاه‌ها به وسیله سیستم‌های IBM سازماندهی می‌شد. رئیس IBM «تاسن و اتسن» بارها به سرزمین نازی‌ها سفر کرد تا روند فعالیت‌های تجارتي خود را شخصاً دنبال کند. کنسرن الکترونیک IBM بشدت در دستگاه نازی‌ها سرمایه‌گذاری کرد و ... می‌توان بلاانقطاع فعالیت‌های آن‌ها را ادامه داد و نمونه‌ها بی‌پایان است.

از زمان هیتلر به ضرر برخی از گزینه‌ها در منطقه اورواسیائی، المان در نظم اقتصادی غربی ادغام شد. روز ۱۵ جولای ۱۹۳۳ المان با ایتالیای فاشیست و بریتانیا و فرانسه پیمان به اصطلاح چهارگانه را تشکیل داد.

در زمینه همکاری‌های بین‌المللی مالی اکنون المان کاملاً در جامعه ارزشی غربی ذوب شده بود. رئیس بانک رایش «هیالمار ساخت» بانکدار امریکائی «اون یانگ» و همچنین رئیس بانک مرکزی انگلیس «مونتگو نورمان» در سال ۱۹۳۰ بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی BIS را در «بازل» تأسیس کرده بودند. گویا این بانک وظیفه داشت مشکلات در راه پرداخت غرامت‌های جنگی المان به قدرت‌های پیروز جنگ اول جهانی را تسهیل کند. ولی در سال ۱۹۳۲ در کنفرانس لوزان پرداخت کلیه غرامت‌های المان لغو شد. وظیفه واقعی این بانک در جنگ معلوم شد، زیرا در واقع کلیه کشورهایی که در جنگ جهانی دوم همراه و یا علیه یک دیگر می‌جنگیدند از جمله ایالات متحده امریکا، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، جاپان و همین‌طور المان عضو آن بودند! نمایندگان بانک‌های مرکزی کشورهای در حال جنگ در هماهنگی کامل دور یک میز نشستند و در مورد تقسیم پول بین دوست و دشمن تصمیم می‌گرفتند. نماینده رایش بانک، «امیل پوهل» بعد از جنگ و اعلام کاپیتولاسیون نیز بدون هیچ مانعی در مقام خود ابقاء شد.

المان هیتلر، عزیز کارتل‌های بین‌المللی

آیا المان زیر سلطه هیتلر از نظر بین‌المللی منزوی بود؟ اصلاً و ابداً! جمهوری وایمار در آن زمان از نظر بین‌المللی مطرود و منزوی بود. تنها پادشاه افغانستان از این کشور دمکراتیک بازدید کرد. ولی در دوران هیتلر رؤسای کشورها و دیگر دولتمردان یکی بعد از دیگری به دیدار المان می‌شتافتند. «ویلیام ا. دود» سفیر امریکا در برلین، فردی عجیب ولی بسیار محترم، با احساس انزجار شاهد بود که چگونه هموطنان بلندپایه او از بخش‌های سیاسی، اقتصادی و مالی به مداهنه و کرنش در مقابل پیشوا می‌پرداختند. هیتلر، عزیز مطلق و نورچشمی دنیای جهانی‌شده کارتلی نوین شده بود.

دولت بریتانیا به همین صورت به الحاق اتریش به المان نیز به وسیله هیتلر زیاد اهمیت نداد و آن را پذیرفت. البته نخست‌وزیر انگلیس، «نویل چمبرلین» وقتی چکسلواکی را به هیتلر بخشید بی‌حیائی را به اوج رسانید. درست در مونسن که «پایتخت جنبش» محسوب می‌شد رؤسای دولت‌های پیمان چهارگانه، یعنی «ادوارد دالادئیر» از فرانسه، «بنیتو موسولینی» از ایتالیا و «نویل چمبرلین» از بریتانیا گردهم آمدند تا الحاق «سودتن‌لند» را که در چکسلواکی واقع بود به رایش سوم با امضای قراردادی رسمیت بخشند.

رئیس دولت چکسلواکی، «ادوار بنش» برای حضور در این معامله غیرمنصفانه و منحرف حتی به عنوان ناظر نیز دعوت نشد. او در اتاق هتل منتظر بود تا این‌که «چمبرلین» او را مطلع کرد که اگر چکسلواکی بخواهد، می‌تواند علیه وهرماخت هیتلر مقاومت کند ولی نمی‌تواند از غرب انتظار کمک داشته باشد. سلسله جبالی که چکسلواکی را از المان

جدا می‌کرد، مبدل به حایل دفاعی علیه وهرماخت شد. بدون این دیوار جمهوری کوچک چکسلواکی مطلقاً بی‌دفاع بود. پولند و هنگری نیز به نوبه خود تکه‌هائی از جسم زخم‌خورده چکسلواکی را به غنیمت بردند. ...
ادامه دارد

برای مطالعه این اثر ارزنده به این نشانی مراجعه کنید:

<http://www.edalat.org/ketabkhaneh/ChangAndaziBeEuroAsia.pdf>